نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و سوم، شماره ۶۹، تابستان ۱۴۰۲

نقش صندوق‌های اعتبارات خرد در ارتقای سرمایه اجتماعی روستاییان مورد مطالعه: روستای حسینان شهرستان دامغان

دریافت مقاله: ۹۸/۳/۱ **پذیرش نهایی:** ۹۹/۲/۱

صفحات: ۲۹۷-۲۷۷

اصغر طهماسبی: استادیار جغرفیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران[۱]
Email: desertcontrol@yahoo.com
فرزانه فخرآبادی پور: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی گردشگری، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران
Email: farzanefakhrabadipoor@gmail.com

چکیده

در سال‌های اخیر تقویت سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت روستاییان در بسیاری از برنامه‌های توسعه روستایی کشور موردتوجه قرارگرفته است. پژوهش حاضر به بررسی تأثیر صندوق‌های قرض‌الحسنه ایجادشده در پروژه ترسیب کربن در ارتقای سرمایه اجتماعی روستای حسینان شهرستان دامغان می‌پردازد. بدین منظور میزان مشارکت و تعاملات اجتماعی اعضای چهار گروه توسعه روستایی قبل و بعد از اجرای پروژه با استفاده از روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی موردبررسی و مقایسه قرار گرفت. داده‌های مورد نیاز از طریق روش‌های مشارکتی و کارگاهی با حضور نمایندگان و اعضای فعال گروه‌های توسعه جمع‌آوری شد. برای مقایسه شاخص‌های تمرکز و تراکم شبکه تعاملات اجتماعی قبل و بعد از اجرای پروژه از آزمون بوت استراپ تی تست استفاده گردید. نتایج مطالعه نشان داد که افزایش میزان تراکم مشارکت اعضای صندوق بعد از اجرای پروژه نسبت به قبل از اجرای آن در سطح ۰.۰۵ معنی‌دار می‌باشد. همچنین پروژه در جلب مشارکت افراد با سطح تحصیلات متفاوت موفق عمل کرده و تفاوت معنی‌داری در شاخص مرکزیت درجه گروه‌های مختلف تحصیلی وجود نداشت. به همین ترتیب تأثیر این صندوق‌ها در ایجاد انسجام بین گروه‌های توسعه روستای حسینان معنی‌دار بوده است. درمجموع می‌توان گفت که تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه اعتبارات خرد ازجمله راهکارهای تأثیرگذار برافزایش مشارکت و همکاری روستاییان و ارتقای سرمایه اجتماعی آن‌ها به شمار می‌رود.

کلید واژگان: سرمایه اجتماعی، صندوق قرض‌الحسنه روستایی، اعتبارات خرد، شبکه اجتماعی، پروژه ترسیب کربن

۱. نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه خوارزمی، دانشکده علوم جغرافیایی، گروه جغرافیای انسانی

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]

مقدمه

در مناطق روستایی ایران به دلیل فقدان متولی مشخص در امور مختلف، ازجمله توسعه فعالیت‌های اقتصادی، بخش عظیمی از نظام و پتانسیل تولیدی کشور (به دلیل مهاجرت نیروی فعال و مولد از روستا) بدون استفاده مانده و یا با حداقل توان و ظرفیت، به فعالیت می‌پردازد. علاوه بر این، ورود مهاجران روستایی به شهرها، موجب افزایش مسائل شهری از قبیل بیکاری، فقر، حاشیه‌نشینی و ناهنجاری‌های اجتماعی شده است.

سرمایه اجتماعی را شاید بتوان در یک نگاه وسیع و در سطح کلان مجموعه‌ای از فضیلت‌های اخلاقی و مناسبات اجتماعی همساز با تحولات توسعه‌ای دانست که هم تحت تأثیر عملکرد اقتصادی و هم تحت تأثیر عملکرد سیاسی و ساخت قدرت و حکمروایی مناسب با آن است و درعین‌حال بر این دو تأثیر می‌گذارد (کیانی و میرزا پور، ۱۳۸۸: ۱۲۷). همچنین سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین انواع سرمایه جهت دستیابی به توسعه همه‌جانبه و پایدار مناطق روستایی ایفای نقش می‌نماید (فراهانی و همکاران، ۱۳۹۲). ازجمله آثار مثبت سرمایه اجتماعی، غنی‌سازی کنش‌های اجتماعی و افزایش تاب‌آوری اجتماعی جوامع محلی در مواجه با تنش‌های و فشارهای بیرونی است (Putnam,2002 50).

درگذشته جوامع روستایی، از سطح بالایی از سرمایه اجتماعی برخوردار بوده‌اند. عوامل متعددی ازجمله تراکم جمعیت پایین، ارتباط بین ساکنان، پایین بودن سطح خدمات عمومی در روستاها، گستردگی شبکه همکاری و مبادلات و فعالیت‌های داوطلبانه را در این مهم تأثیرگذار می‌دانند (Liu and Besser, 2003: 343). در طی چند دهه اخیر با انجام اصلاحات اراضی و کمرنگ شدن نقش نظام‌های اقتصادی-اجتماعی در مدیریت روستاها، رویکرد فردگرایی در بین روستاییان رو به تزاید بوده و منجر به شکل‌گیری و تقویت روحیه انفعال و بی‌تفاوتی نسبت به مسائل مشترک و عمومی روستاییان و به‌تبع آن کاهش سرمایه‌های اجتماعی روستاها شده است. ازاین‌رو اهمیت سرمایه اجتماعی به‌منظور رسیدن به توسعه روستایی، موضوع رو به رشد بسیاری از مطالعات در سالیان اخیر بوده است. به‌طوری‌که بسیاری از محققین پیشرفت جوامع روستایی را نیازمند توسعه همه‌جانبه، ایجاد روابط گرم، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و از همه مهم‌تر، اعتماد متقابل (فرد، جامعه و دولت) می‌دانند (عنابستانی و همکاران ۱۳۹۰)؛ به‌عبارت‌دیگر علیرغم وجود ابهاماتی در ماهیت سرمایه اجتماعی، اهمیت آن مورد تأکید و تصدیق جهانی بوده و آن را یکی از مؤلفه‌ها و تعیین‌کننده‌های مهم توسعه روستایی قلمداد می‌کنند (سلمانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۱). به‌طوری‌که تقویت سرمایه اجتماعی، مشارکت و ارتباط افراد را به دنبال داشته و به‌نوبه خود، نقش مهمی در بهبود کیفیت زندگی در مناطق روستایی کاهش فقر و بهبود کیفیت زندگی می‌شود (Abdul-H, et al. 2010: 565).

در بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه همچون بنگلادش و هند صندوق‌های اعتبارات خرد سال‌هاست که به‌عنوان یک نهاد کارآمد جهت ارائه خدمات مالی و اعتباری برای توسعه فعالیت‌های کشاورزی و روستایی و نیز تقویت روحیه مشارکت و همدلی بین روستاییان موردتوجه سیاستمداران و برنامه‌ریزان امور روستایی قرار دارند. این صندوق‌ها با جمع‌آوری سرمایه‌های اندک کشاورزان و تولیدکنندگان ازجمله منابع مهمی هستند که علاوه بر تقویت سرمایه‌های اجتماعی در سطح روستاها در برآوردن نیازهای مالی و توسعه فعالیت‌های تولیدی اعضاء نقش مهمی دارند (مقدس فریمانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲).

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]

در مناطق روستایی کشور ما نیز با توجه به ویژگی‌های فرهنگ اسلامی-ایرانی و تمرکز جمعیت فقیر در آن‌ها، صندوق‌های قرض‌الحسنه روستایی مبتنی بر اعتبارات خرد می‌توانند نقش مؤثری در توسعه بازارهای مالی ایفا کنند و ابزاری برای رشد و تقویت روحیه همکاری و مشارکت در مناطق روستایی باشند (حسن‌زاده و قویدل، ۱۳۸۴: ۱۴۳).

بر این اساس ایجاد صندوق‌های اعتبارات خرد بر مبنای سنت قرض‌الحسنه چند سالی است که در مناطق روستایی کشورمان با هدف تقویت سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی روستاییان رایج شده و توسط دستگاه‌های مختلف ازجمله سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، بنیاد علوی، بنیاد برکت، بسیج سازندگی سپاه پاسداران و صندوق کارآفرینی امید برای فعالیت‌های توسعه روستایی و محرومیت‌زدایی مورداستفاده قرار می‌گیرد.

مطالعات متعددی در خصوص ارزیابی صندوق‌های اعتبارات خرد و صندوق‌های قرض‌الحسنه در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است. توانمندسازی زنان یکی از پیامدهای مهم این صندوق‌هاست که در مطالعات مختلف مورد تأکید قرارگرفته است. برای مثال پیت و همکاران (۲۰۰۳)، در بررسی اعتبارات خرد در بنگلادش، به این نتیجه دست یافتند که مشارکت زنان در برنامه‌های اعتبارات خرد در افزایش توانمندسازی زنان مؤثر بوده و باعث شده است که زنان نقش بیشتری در تصمیم‌گیری خانوار، دسترسی بیشتر به منابع مالی و اقتصادی، شبکه‌های اجتماعی بیشتر، قدرت چانه‌زنی مناسب روبروی شوهر خود و تحرک و آزادی بیشتری داشته باشند. همچنین نتایج مطالعه معظمی و رحیمی (۱۳۸۴) نشان داد که ایجاد این صندوق‌ها سبب افزایش دسترسی زنان کم‌درآمد و سرپرست خانوار به خدمات مالی شده و کارایی حمایت‌ها و کمک‌های مالی دولتی را از طریق کاهش هزینه‌های بالاسری ارتقاء داده است.

کاهش فقر و نابرابری‌های اقتصادی یکی دیگر از پیامدهای مثبت ایجاد این صندوق‌ها در مناطق روستایی است که در یافته‌های مطالعات پیشین برجسته است. دراین‌ارتباط تحقیق حسن‌زاده و همکاران (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که اعتبارات خرد در صورتی می‌تواند به کاهش فقر بیانجامد که اولاً طبقات گوناگون فقر شناسایی شوند و ثانیاً این اعتبارات برای ایجاد اشتغال استفاده شود. همین‌طور محمدی و همکاران (۱۳۹۱)، در مطالعه‌ی خود با بررسی اثرات اقتصادی و اجتماعی طرح ترسیب کربن بر روستاییان تحت پوشش این طرح در خراسان جنوبی، به این نتیجه دست یافتند که عضویت در این صندوق‌ها ضمن ارتقای مهارت‌های مالی روستاییان تأثیر مثبتی بر درآمد و اشتغال روستاییان داشته است. دراین‌ارتباط مطالعه فوایدی و همکاران (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که میزان تأثیر صندوق‌های اعتبارات خرد بر معیشت روستاییان به متغیرهای همچون میزان هدایت و آموزش‌های شغلی ارائه‌شده، میزان تسهیلات اعطایی و نحوه تعاملات و ارتباط با روستاییان بستگی دارد. برخی مطالعات دیگر همچون امامی و همکاران (۱۳۹۶) تأثیرات غیراقتصادی صندوق‌های اعتبارات خرد ازجمله در بعد روان‌شناختی را بیشتر از بعد اقتصادی آن‌ها ارزیابی کرده‌اند.

بررسی اجمالی پیشینه مطالعات مرتبط با صندوق‌های اعتبارات خرد نشان می‌دهد که عمده این تحقیقات به بررسی کارکردهای اقتصادی صندوق‌ها و یا عوامل مؤثر بر کارکرد آن‌ها متمرکز بوده و تأثیر ایجاد این صندوق‌ها در تقویت سرمایه اجتماعی مناطق روستایی کمتر موردتوجه و بررسی قرارگرفته است. ازاین‌رو

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]

مسئله‌ی کلیدی موردتوجه تحقیق حاضر روند رو به تزاید روحیه فردگرایی در بین روستاییان و فقدان شناخت کافی در خصوص نقش و اهمیت ایجاد صندوق‌های اعتبارات خرد در ایجاد و ارتقای حس مشارکت و همکاری روستاییان می‌باشد.

بر این اساس هدف مطالعه حاضر، بررسی تأثیر ایجاد صندوق‌های اعتبارات خرد قرض‌الحسنه بر سرمایه‌های اجتماعی جوامع محلی در روستای حسینان استان سمنان به‌عنوان یکی از روستاهای پایلوت پروژه بین‌المللی ترسیب کربن می‌باشد. سؤال اصلی که این مطالعه پاسخ خواهد داد این است که فعالیت‌های انجام‌گرفته در پروژه چه تأثیری بر سرمایه‌های اجتماعی روستاییان داشته است؟ پاسخ به این سؤال با توجه ابعاد مختلف سرمایه‌ی اجتماعی مستلزم در نظر گرفتن سؤالات فرعی زیر می‌باشد: ساختار شبکه تعاملات اقتصادی-اجتماعی شکل‌گرفته چگونه است؟ تعاملات اجتماعی و همکاری کنشگران شبکه چه تغییراتی نسبت به قبل از پروژه داشته است؟ کنشگران مختلف در شبکه تعاملات اجتماعی چه جایگاهی دارند؟

مبانی نظری

سرمایه اجتماعی

در دهه اخیر مفهوم سرمایه اجتماعی، یکی از پرکاربردترین مفاهیم در حوزه علوم اجتماعی می‌باشد (Toloie-E, 2008: 232). سرمایه اجتماعی نخستین بار، توسط شخصی به نام هنیفان در سال ۱۹۲۰ به‌کاربرده شد (بهزاد، ۱۳۸۴: ۶۴)، اگرچه از قرن نوزده و اوایل قرن بیستم رابطه اجتماعی و ویژگی‌های آن‌یکی از موضوعات مرکزی مطالعات جامعه‌شناسی بوده است؛ اما اولین استفاده رسمی از مفهوم سرمایه اجتماعی در گزارش مسکن و سرمایه اجتماعی کمیته سلطنتی اقتصاد کانادا در ۱۹۵۷ انجام‌گرفت (غلام پور، ۱۳۸۸: ۹۵). مفهوم سرمایه اجتماعی به‌عنوان روابطی که افراد باهم ایجاد می‌کنند در دهه ۱۹۹۰ مفهوم مهمی شد و در رشته‌های علوم اجتماعی موردتوجه قرار گرفت (فقیهی و دیگران، ۱۳۸۰: ۵). درواقع ریشه بحث سرمایه اجتماعی را می‌توان در کارهای جامعه‌شناسان قرن نوزدهم، یعنی دورکیم[1]، وبر[2]، مارکس[3] و زیمبل[4] پیدا کرد؛ اما در دهه ۱۹۹۰ سرمایه اجتماعی به‌مثابه یک مفهوم به حوزه ادبیات مرتبط با توسعه وارد شد (ماجدی و دیگران، ۱۳۸۵: ۹۱). سرمایه اجتماعی در آغاز یک دسته فرآیندهایی است که به تولید برون‌دادهایی منجر می‌شود که حاصل کنش‌های اجتماعی است (Collier, 1998: 6). ازنظر کلمن، سرمایه اجتماعی یک منبع خنثی است که هر نوع عملی را تسهیل می‌کند (کلمن،۱۳۸۴: ۴۶۲). بوردیو (۱۹۸۶) سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع واقعی یا بالقوه در نظر می‌گیرد که با در اختیار داشتن شبکه بادوامی از روابط متقابل کم‌وبیش نهادینه‌شده مرتبط است (Szeman & Kaposy, 2010:86). برخلاف کسانی که بر منافع عمومی ناشی از شبکه روابط اجتماعی تأکید دارند، اوزی و دانلپ (۲۰۰۵) سرمایه اجتماعی را ابزاری برای دستیابی به اطلاعات، تخصص و قدرت بیشتر می‌دانند. بر این اساس افراد می‌توانند به‌جای استفاده از سرمایه اجتماعی در جهت نفع سازمان، از آن برای پیشرفت شغلی خود استفاده کنند (Uzzi, etal. 2005: 53). داوسوکی (۲۰۰۸) معتقد است که سرمایه

1- Durkheim
2 -Weber
3- Marx
4- Zeembel

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]

اجتماعی، یک دارایی اطلاعات را به‌عنوان حمایت جمعی از شخصیت هر یک از اعضای گروه در برابر یکدیگر ایجاد می‌کند (Dusuki, 2008: 50). کلمن (۱۹۹۰) سرمایه اجتماعی را هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و روابط میان جوانان و کودکانی می‌داند که برای رشد کودکان ارزشمند هستند (Coleman, 1990: 334). پاتنام (۱۹۹۳) معتقد است که سرمایه اجتماعی برعکس سرمایه‌های متعارف دیگر، یک کالای عمومی است که در مالکیت خصوصی بهره‌برداران نیست (Putnam, 1993: 38). بورت‌کس و دیویس (۲۰۱۰) سرمایه اجتماعی را گسترش عواملی مانند اعتماد، شبکه‌ها و هنجارها می‌دانند که می‌توانیم از آن برای توضیح برخی از مشکلات رفتارهای انسان استفاده کنیم (Bartkus, etal. 2010: 44). دیندا (۲۰۱۴) سرمایه اجتماعی را به‌عنوان هنجارها و شبکه‌هایی که اقدامات جمعی را برای ایجاد پایه‌ای برای رشد فراگیر و توسعه پایدار فعال فراهم می‌کند، در نظر می‌گیرد (Dinda, 2014: 879). فوکویاما معتقد است که سطوح بالای سرمایه اجتماعی، صداقت و اعتماد، افراد را به انجام دادن کارهای مشارکتی و تعاونی مشتاق می‌سازد (قانعی‌راد و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۰۵)؛ بنابراین سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در نظام‌های اجتماعی است که منابع ایجادکننده آن هنجارها یا ساخت‌مندی‌های نهادی، هنجارها یا ساخت‌مندی‌های خودجوش، هنجارها یا ساخت‌مندی‌های برون‌زا و هنجارها یا ساخت‌مندی‌های طبیعی می‌باشد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۲۳). ازنظر پیر بوردیو[1] که یکی از برجسته‌ترین محققین علوم اجتماعی محسوب می‌شود، سرمایه اجتماعی شکلی از سرمایه است که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می‌تواند همراه با سرمایه فرهنگی، ابزاری برای رسیدن به سرمایه‌های اقتصادی باشد. به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت سرمایه‌اجتماعی، عبارت است از یک ظرفیت اجتماعی که هماهنگی و همکاری را در جامعه و گروه تسهیل می‌کند. درواقع سرمایه اجتماعی یک مفهوم مرکب است که دارای سه بعد: ساختار، محتوا و کارکرد است.

ساختار اجتماعی آن، همان شبکه ارتباطات اجتماعی است.

محتوای آن، عبارت از اعتماد و هنجارهای اجتماعی است.

کارکرد آن نیز همان تعاملات اجتماعی و مشارکت و همکاری است.

دیدگاه‌های سرمایه اجتماعی

دیدگاه اجتماع‌گرایی: در دیدگاه اجتماع‌گرایی، سرمایه اجتماعی با سازمان‌هایی چون باشگاه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی برابر انگاشته می‌شود. اجتماع‌گرایان بر این اعتقادند که سرمایه‌های اجتماعی ذاتاً خیرند، وجود آن‌ها همواره اثری مثبت بر رفاه اجتماع دارد. این دیدگاه با تأکید بر محوریت پیوندهای اجتماعی در کمک به فقرا برای تدابیر، دفع مخاطرات و آسیب‌پذیری طبقه فقیر کمک مهمی به تحلیل فقر کرده است (پورعلی، ۱۳۹۶: ۳۸).

دیدگاه شبکه‌ای: بر اساس دیدگاه شبکه‌ای سعی می‌شود هر دو جنبه مثبت و منفی سرمایه اجتماعی به‌حساب آورده شود. اهمیت پیوندهای عمودی و هم‌چنین افقی در بین مردم و روابط درونی و فی‌مابین این قبیل هویت‌های سازمانی (منتج از این پیوندها) به‌عنوان گروه‌ها و بنگاه‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد. این دیدگاه با بنا

1- Pierre Bourdieu

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]

نهادن الگوی خود بر کاری که گرینوتر (۱۹۷۳) انجام داده می‌پذیرد که پیوندهای نیرومند، درون اجتماع، به خانواده‌ها و اجتماعات حس هویت و مقصد مشترک می‌دهد. این دیدگاه همچنین تأکید دارد که پیوندهای قوی افقی بدون پیوندهای ضعیف تبیین اجتماعی از قبیل پیوندهایی که شکاف‌های گوناگون اجتماعی مبتنی بر دین، طبقه، قومیت، جنسیت و شئون و موقعیت‌های اجتماعی اقتصادی را در می‌نوردد و ممکن است به‌صورت مبنایی برای پی‌جویی منافع فرقه‌ای درآیند (کلمن، ۱۳۸۴: ۵۴۰- ۵۳۹)

دیدگاه نهادی: مدعی است که سرزندگی شبکه‌های اجتماعی عمدتاً محصول محیط سیاسی، قانونی و نهادی است. نگرش نهادی سرمایه‌اجتماعی را به‌عنوان متغیر وابسته تلقی می‌کند. استدلال طرفداران این رویکرد این است که خود ظرفیت گروه‌ها برای عمل کردن به خاطر نفع جمعی، وابسته به کیفیت نهادهای رسمی است که تحت تأثیر آن‌ها قرار دارند. طرفداران دیدگاه نهادی همچنین تأکید می‌ورزند که چگونگی عملکرد دولت‌ها و بنگاه‌ها نیز به‌نوبه خویش وابسته به انسجام درونی، اعتبار و صلاحیت درونی‌شان از یکسو و پاسخگویی آن‌ها در برابر جامعه مدنی از سوی دیگرند (پورعلی، ۱۳۹۶: ۳۹).

دیدگاه همیاری: این دیدگاه می‌کوشد آثار قوی دو دیدگاه شبکه‌ای و نهادی را در یکدیگر ادغام کند. اگرچه طرفداران دیدگاه همیاری پیشینه‌های فکری خود را به آثار متقدم‌تر در زمینه اقتصاد سیاسی تطبیقی و مردم‌شناسی ربط می‌دهند، اما مؤثرترین بخش تحقیقات ایشان دریکی از ویژه‌نامه‌های (گزارش) توسعه جهانی به چاپ رسیده است. نویسندگان این ویژه‌نامه مطالعات مواردی مربوط به برزیل، هند، مکزیک، کره جنوبی و روسیه را در جستجوی شرایطی که به همیاری منجر به توسعه کمک می‌کند، یعنی ائتلاف‌های پویای حرفه‌ای و مناسبات مابین دیوانسالاری‌های دولتی و جامعه مدنی موردبررسی قرار داده‌اند (کلمن، ۱۳۸۴: ۵۴۹- ۵۴۸).

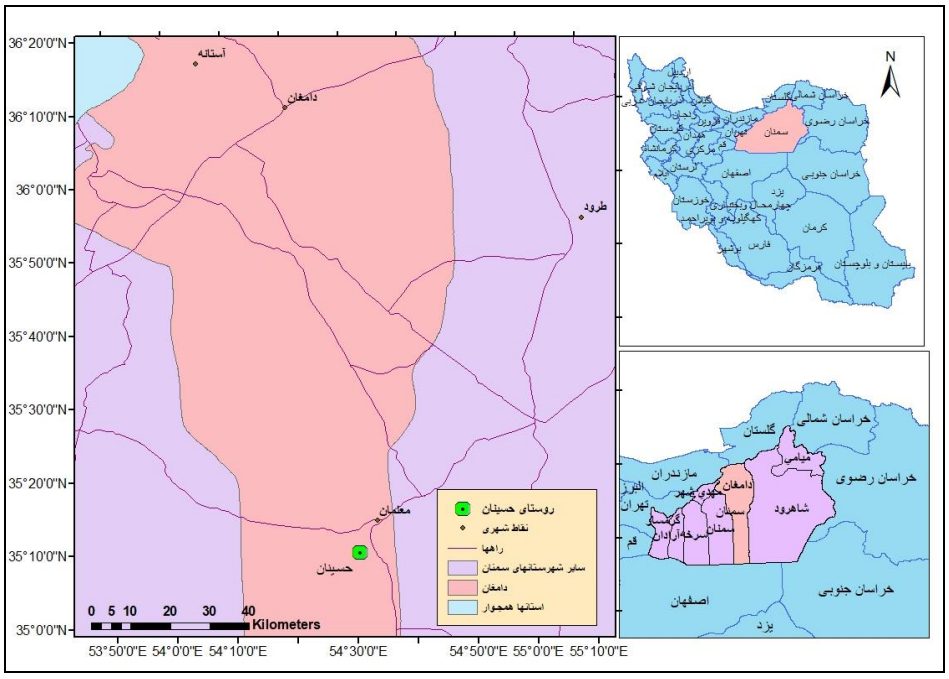
با توجه به تنوع و تفاوت در تعریف سرمایه اجتماعی، ابعاد و شاخص‌های آن در منابع موجود، در تحقیق حاضر ازنظر پیر بوردیو استفاده می‌شود با این ملاحظه که تغییر اعتماد بین جوامع محلی فرایندی زمان‌بر بوده و لذا ارزیابی تأثیر پروژه بر سرمایه‌های اجتماعی روستاییان صرفاً بر دو بعد ساختار شبکه‌های اجتماعی و مشارکت روستاییان متمرکز خواهد بود.

روش تحقیق

معرفی محدود موردمطالعه

محدوده موردمطالعه در این پژوهش روستای حسینان یکی از روستاهای دهستان قهاب رستاق در بخش امیریه شهرستان دامغان است. همان‌طور که شکل (۱) نشان می‌دهد این روستا در فاصله ۹۰ کیلومتری از مرکز دهستان، ۱۰۰ کیلومتری مرکز بخش و ۱۱۵ کیلومتری مرکز شهرستان قرار دارد و راه دسترسی آن آسفالت است. در آخرین سرشماری جمعیت در سال ۱۳۹۵ جمعیت روستا ۱۲۲ نفر و ۴۱ خانوار بوده است. روستا حسینان ازنظر کشاورزی آب و زمین خوبی دارد کشاورزی آن شامل ۱۲ هکتار زمین زراعی و ۴ هکتار باغ می‌باشد.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]



شکل (۱). موقعیت روستای حسینان در شهرستان دامغان

داده و روش کار

روش تحقیق پژوهش حاضر ازنظر ماهیت توصیفی و تحلیلی، ازنظر هدف کاربردی و ازنظر روش کیفی-کمی محسوب می‌شود. جامعه آماری تحقیق اعضای صندوق توسعه روستای حسینان می‌باشد که ۶۴ نفر عضو دارد و در ۷ گروه توسعه روستایی تشکیل یافته‌اند. از میان ۷ گروه مذکور ۴ گروه به‌صورت تصادفی انتخاب و تعاملات تمامی اعضای این گروه‌ها که شامل ۳۸ نفر از اعضای صندوق روستا بوده موردبررسی قرار گرفت. برای جمع‌آوری اطلاعات تغییرات سرمایه‌های اجتماعی روستاییان ابتدا مشخصات اعضای چهار گروه توسعه‌ای منتظران، شهدای سرکویر، وحدت و یاسمین استخراج و نام و نام خانوادگی آن‌ها بر روی کارت‌های رنگی کوچک نوشته و بر روی کاغذهای کارگاهی A0 نصب گردید. سپس کارگاه مشارکتی تحلیل شبکه‌های اجتماعی روستا با حضور نمایندگان اعضای چهار گروه فوق برگزار گردید و با بهره‌گیری از رویکرد ارزیابی مشارکتی روستا[1] و استفاده از تکنیک نقشه‌کشی مشارکتی، مشارکت قبل و بعد از اجرای پروژه بین اعضای گروه‌ها توسط شرکت‌کنندگان بحث و با استفاده از خطوط رنگی مشخص گردید. به‌منظور حفظ محرمانگی اطلاعات جمع‌آوری‌شده از روستاییان، اسامی اعضای گروه‌ها به‌طوری تغییر و بازسازی‌شده که فقط برای گروه تحقیق قابل‌شناسایی و ردیابی باشد.

در مرحله بعد داده‌های جمع‌آوری‌شده از کارگاه‌های مشورتی رقومی‌سازی شده و ماتریس تعاملات اجتماعی-اقتصادی اعضای شبکه قبل و بعد از تشکیل صندوق اعتبارات خرد در قالب جداول نرم‌افزار اکسل تنظیم

1-Participatory Rural Appraisal(PRA)

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]

گردید. در مرحله نهایی ماتریس استخراج شده به نرم‌افزار یوسی‌نت انتقال داده شد و شاخص‌های کمی و ریاضی سرمایه‌های اجتماعی گروه‌ها و صندوق توسعه روستا با استفاده از روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی و به‌صورت جداول و نمودار استخراج گردید. برای مقایسه معنی‌دار بودن تفاوت در تراکم شبکه مشارکت قبل و بعد از تشکیل صندوق‌ها از آزمون بوت استراپ تی تست استفاده گردید.

روش تحلیل شبکه اجتماعی به‌عنوان یک ابزار بررسی سرمایه اجتماعی، با تحلیل الگوی ساختاری روابط مابین کنشگران قادر است شبکه غیرقابل مشاهده ارتباطات را میان ذی‌نفعان قابل‌مشاهده سازد و همچون ابزاری کارآمد در سنجش انسجام اجتماعی (افراخته و همکاران، ۱۳۹۶) عمل نماید. پیش‌فرض اساسی تحلیل شبکه اجتماعی این است که از گره‌نگاره‌های مرکب از خط و نقطه می‌توان برای نشان دادن عاملان و رابطه‌های اجتماعی ایشان استفاده کرد. (لوپز و اسکات، ۱۳۸۵: ۹۹). طیف گسترده‌ای از کارکردها و تأثیرگذاری‌های مربوط به مدیریت منابع طبیعی را می‌توان به وجود شبکه‌های اجتماعی نسبت داد. فولکه و همکاران او در مقالات اکتشافی خود این‌گونه اظهار می‌کنند که وجود شبکه‌های اجتماعی بر عوامل مختلفی چون ایجاد و گسترش هویت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، بسیج ظرفیت‌های قانونی، سیاسی و مالی برای ایجاد و گسترش ابتکارات مرتبط با مدیریت منابع طبیعی، تأثیر بنیادین دارد و به‌منزله ابزار مناسبی برای به اشتراک‌گذاری اطلاعات و گسترش دانش در سطوح و گروه‌های مختلف اجتماع می‌باشند (بادین و پرل، ۱۳۹۵). در این راستا شاخص‌های شبکه اجتماعی زیر برای سنجش نقش صندوق‌های قرض‌الحسنه در ارتقای سرمایه اجتماعی استفاده شد.

شاخص‌های سطح صندوق توسعه روستایی

تراکم شبکه[1]: تراکم یکی از شاخص‌های مهم در روش تحلیل شبکه‌های اجتماعی است. این شاخص به‌صورت نسبت تعداد کل پیوندهای موجود بر تعداد کل پیوندهای ممکن در شبکه تعریف می‌شود. میزان این شاخص بین صفر تا یک و نیز صفر تا ۱۰۰ درصد است. میزان تراکم رابطه مثبتی با انسجام اجتماعی و سرمایه اجتماعی دارد. تراکم بالا به افزایش اعتماد و تسهیل در اشتراک‌گذاری اطلاعات و منابع و همچنین افزایش مشارکت و همکاری در میان ذی‌نفعان منجر خواهد شد؛ بنابراین، میزان سرمایه اجتماعی و به دنبال آن انسجام اجتماعی افزایش می‌یابد و فعالیت‌های مشارکتی تسهیل می‌شود (افراخته و همکاران،۱۳۹۶).

تمرکز شبکه[2]: تمرکز در شبکه نشانگر درصدی از شبکه است که در بین گروه محدودی محصورشده است. چنانچه میزان درجه تمرکز در شبکه‌ای صفر باشد یعنی تمام کنشگران به تعداد یکسانی پیوند در شبکه با یکدیگر برقرار کرده‌اند و چنانچه میزان آن یک باشد نشان‌دهنده این است که تمام پیوندها در اختیار یک کنشگر است. هرچه میزان درجه تمرکز در شبکه‌ای بالا باشد میزان انسجام اجتماعی در آن شبکه کاهش خواهد یافت (قربانی و همکاران، ۱۳۹۴).

1-Network density
2- Network centralization

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]

شاخص‌های تعاملات اجتماعی بین گروه‌های توسعه روستایی

شاخص E-I نسبت پیوندهای برون گروهی به درون‌گروهی: پیوندهای داخل یک زیرگروه منسجم را پیوندهای درون‌گروهی و پیوندهای بین زیرگروه‌های مختلف را پیوندهای بین گروهی یا پیوند پلی می‌نامند (Krott & Hasanagas, 2006). پیوندهای درون‌گروهی سبب تقویت اعتماد، میزان دوسویگی پیوندها و بنابراین افزایش انسجام در داخل گروه خواهد شد که در حل اختلافات و درگیری و ایجاد یک ساختار منسجم، به‌عنوان دو مؤلفه اساسی و مهم در شبکه تعاملات، نقش مهمی را ایفا می‌نماید (درویشی و همکاران، ۱۳۹۳).

شاخص مرکز-پیرامون[1]: توسط این شاخص همه اعضا به دو دسته مرکز-پیرامون تقسیم می‌شوند (Hanneman and Riddle, 2006:280). وجود زیرگروه‌های مختلف از علائم پایین بودن میزان انسجام و همبستگی در شبکه روابط می‌باشد (قربانی و همکاران، ۱۳۹۴).

شاخص‌های تعاملات اجتماعی درون گروه‌های توسعه روستایی

مرکزیت درجه[2]: تعداد ارتباطات مستقیمی که هر کنشگر با سایر کنشگران در شبکه دارد، مرکزیت درجه نامیده می‌شود. مرکزیت درجه ساده‌ترین نوع مرکزیت است. ارزش مرکزیت هر نقطه از شمارش تعداد همسایگانش به دست می‌آید (قربانی و همکاران،۱۳۹۳).

نتایج

همان‌گونه که اشاره شد تأثیر ایجاد صندوق اعتبارات خرد در سرمایه اجتماعی روستاییان از طریق بررسی وضعیت شبکه همکاری بین اعضای صندوق توسعه روستای حسینان در دو مرحله قبل و بعد از اجرای پروژه موردبررسی و مقایسه قرار گرفت. در این بخش یافته‌های تحقیق در سه بخش تأثیر صندوق‌ها بر ساختار شبکه مشارکت، تأثیر صندوق‌ها بر مشارکت و همکاری بین گروه‌های توسعه و تأثیر صندوق‌ها بر همکاری روستاییان درون گروه‌های توسعه ارائه‌شده است.

شبکه مشارکت بین اعضای صندوق توسعه روستای حسینان

وضعیت شبکه مشارکت بین اعضای صندوق توسعه روستای حسینان در قبل و بعد از اجرای پروژه با در نظر گرفتن مصادیق و زمینه‌های مرتبط با نوع فعالیت‌ها با استفاده از دو شاخص تراکم و تمرکز شبکه موردبررسی قرار گرفت. اعضای شبکه قبل از شروع پروژه مشارکت‌هایی را در قالب فعالیت‌هایی همچون کشاورزی و دامداری داشته‌اند که این مشارکت‌ها به‌واسطه پروژه در قالب فعالیت‌هایی همچون نهال‌کاری، کنترل هرزآب، تولید نهال، قالی‌بافی و بافت تابلو فرش و پرورش بلدرچین تقویت و توسعه‌یافته است. همان‌طورکه در جدول (۱) نشان داده شده است تراکم مشارکت قبل از اجرای پروژه در بین اعضای صندوق با ۶۱ پیوند حدود ۴ درصد بوده است که بعد از اجرای پروژه با ۱۴۱ پیوند به بیش از ۱۰ درصد افزایش یافته است.

1- Core and Periphery
2- Degree Centrality

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]

جدول (۱). تراکم شبکه مشارکت قبل و بعد از اجرای پروژه در روستای حسینان

تراکم و تعداد روابط		
	تراکم	تعداد روابط
روابط مشارکت قبل از پروژه	۰/۰۴۳۲	۶۱
روابط مشارکت بعد از پروژه	۰/۱۰۰۳	۱۴۱

نتایج آزمون بوت استراپ تی تست برای دو نمونه وابسته برای بررسی معنی‌دار بودن تغییرات ایجاد شده ازنظر آماری در جدول (۲) آورده شده است. با توجه به اینکه سطح پایینی و سطح بالایی فاصله اطمینان حاصل برای مقایسه میانگین دو نمونه وابسته منفی است و به‌عبارت‌دیگر دامنه داده شده شامل عدد صفر نمی‌باشد بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت که تفاوت در تراکم مشارکت و مشارکت در قبل و بعد از اجرای پروژه در روستای حسینان معنی‌دار می‌باشد.

جدول (۲). آزمون بوت استراپ تی ست برای دو نمونه وابسته

BOOTSTRAP PAIRED SAMPLE T-TEST	
تراکم قبل از اجرای پروژه	**۰/۰۴۳۴**
تراکم بعد از اجرای پروژه	**۰/۱۰۰۳**
تفاوت در تراکم	**۰/۰۵۶۹**
تعداد نمونه بوت استراپ	**۵۰۰۰**
آماره تی برای دو نمونه مستقل	**-۵/۸۷۶۲**
فاصله اطمینان ۹۵٪ برای تفاوت برای دو نمونه مستقل	**{-۰/۰۰۸۲-۰/۱۰۵۶}**
فاصله اطمینان ۹۵٪ برای تفاوت برای دو نمونه وابسته	**{-۰/۰۹۰۰-۰/۰۲۳۸}**
آماره تی برای دو نمونه وابسته	**-۳/۳۶۹۰**

جدول (۳) وضعیت شاخص مرکزیت یا تمرکز در شبکه بین اعضای صندوق را قبل و بعد از اجرای پروژه نشان می‌دهد. همان‌طور که از داده‌های جدول (۳) مشخص است درجه تمرکز شبکه قبل از اجرای پروژه ۳۲.۲۸ درصد بوده است که میزان آن بعد از اجرای پروژه به ۲۵.۶۸ درصد کاهش پیدا کرده و می‌توان گفت که با توسعه فعالیت‌ها پروژه تمرکز مشارکت در شبکه کمتر شده و فرصت برای مشارکت تعداد بیشتری از افراد شبکه فراهم شده است. همچنین مقایسه شاخص ناهمگونی قبل و بعد از اجرای پروژه نشان از کاهش ناهمگونی در مشارکت اعضای صندوق در مقایسه با قبل از اجرای پروژه می‌باشد. به‌طوری‌که مقدار نرمال این شاخص قبل از اجرای پروژه ۴.۳۷ درصد بوده که بعد از اجرای پروژه به ۲.۶۹ درصد کاهش پیدا کرده است. به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت که پروژه در توانمندسازی اعضای شبکه و به‌ویژه گروه‌های حاشیه‌ای موفق عمل کرده و میزان ناهمگونی در مشارکت اعضای شبکه را کاهش داده است.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]

جدول (۳). وضعیت شاخص تمرکز مشارکت در شبکه اعضای صندوق توسعه روستای حسینان قبل و بعد از اجرای پروژه

آمار توصیفی	قبل از اجرای پروژه			بعد از اجرای پروژه		
	درجه مرکزیت	مرکزیت نرمال	سهم	درجه مرکزیت	مرکزیت نرمال	سهم
میانگین	۱/۶۸۴	۴/۵۵۲	۰/۰۲۶	۴	۱۰/۸۱۱	۰/۰۲۶
انحراف معیار	۲/۱۴۱	۵/۷۸۷	۰/۰۳۳	۳/۹۹۳	۱۰/۷۹۳	۰/۰۲۶
جمع	۶۴	۱۷۲/۹۳۷	۱	۱۵۲	۴۱۰/۸۱۱	۱
واریانس	۴/۵۸۴	۳۳/۴۸۸	۰/۰۰۱	۱۵/۹۴۷	۱۱۶/۴۸۹	۰/۰۰۱
حداقل	۰	۰	۰	۰	۰	۰
حداکثر	۱۳	۳۵/۱۳۵	۰/۲۰۳	۱۳	۳۵/۱۳۵	۰/۰۸۶
درجه تمرکز شبکه	٪۳۲/۲۸			٪۲۵/۶۸		
ناهمگونی	٪۶/۸۸			٪۵/۲۵		
ناهمگونی نرمال	٪۴/۳۷			٪۲/۶۹		

برای بررسی دقیق‌تر وضعیت تغییرات ایجاد شده در مشارکت اعضای شبکه لازم است بررسی دقیق‌تری از تغییرات مشارکت در بین گروه‌های توسعه روستایی و همچنین درون این گروه‌ها انجام شود.

شبکه مشارکت بین گروه‌های توسعه روستای حسینان

یکی از قوی‌ترین شاخص‌ها برای مقایسه سطح میانی شبکه‌های اجتماعی، شاخص پیوندهای برون‌گروهی پیوندهای درون‌گروهی می‌باشد. با توجه به این‌که صندوق توسعه روستای موردبررسی ما دارای چهار گروه توسعه می‌باشد که لزوماً ازنظر سطح مشارکت در یک سطح نبوده و لازم است در تحلیل‌ها به‌صورت مستقل نیز موردبررسی قرار گیرند. جدول (۴) وضعیت شاخص پیوندهای برون‌گروهی به درون‌گروهی در چهار گروه توسعه روستایی حسینان را نشان می‌دهد. داده‌های جدول (۴) نشان می‌دهند که از چهار گروه فوق گروه‌های وحدت و یاسمین به ترتیب با ۱۲ و ۱۰ پیوند دارای بیشترین پیوندهای درون‌گروهی قبل از اجرای پروژه بوده‌اند. همچنین گروه منتظران با ۴ پیوند درون‌گروهی قبل از اجرای پروژه ضعیف‌ترین گروه ازنظر مشارکت بوده است. ازنظر پیوند برون‌گروهی نیز گروه وحدت با ۱۴ پیوند در رتبه اول قرار داشته و گروه‌های منتظران و شهدای سرکویر به ترتیب با ۱۲ و ۶ پیوند در رتبه دوم و سوم قرار داشته‌اند. گروه یاسمین اما علیرغم پیوند درون‌گروهی خوب قبل از اجرای پروژه فاقد پیوند برون‌گروهی بوده است. با در نظر گرفتن نسبت پیوندهای برون‌گروهی به درون‌گروهی می‌توان گفت که ازلحاظ شاخص E-I گروه منتظران با میزان ۰/۵ شرایط بهتری نسبت به سایر گروه‌ها قبل از اجرای پروژه داشته و گروه یاسمین با میزان شاخص ۱- در رتبه آخر قرارگرفته است. گروه وحدت و شهدای سرکویر نیز در رتبه‌های دوم و سوم قرار می‌گیرند.

اما بعد از اجرای پروژه تعداد پیوندهای درون‌گروهی گروه شهدای سرکویر بیشترین افزایش را نسبت به سایر گروه‌ها داشته است به‌طوری‌که با ۱۸ واحد افزایش به ۲۲ پیوند رسیده است. در رتبه بعدی گروه وحدت با ۴ واحد افزایش تعداد پیوندهای درون‌گروهی خود را از ۱۲ به ۱۶ عدد رسانده است. گروه منتظران و یاسمین نیز هر دو به ۲ پیوند درون‌گروهی اضافه نسبت به مرحله قبل از اجرای پروژه در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]

اما بیشترین تغییرات در مشارکت اعضای شبکه در مشارکت‌های برون‌گروهی نسبت به پیوندهای درون‌گروهی بوده است به‌طوری‌که تعداد پیوندهای برون‌گروهی شهدای سرکویر از ۶ پیوند قبل از اجرای پروژه به ۲۵ پیوند رسیده است. در رتبه دوم گروه وحدت قرار می‌گیرد که تعداد پیوندهای برون‌گروهی آن با ۱۶ واحد افزایش به ۲۵ پیوند رسیده است. گروه یاسمین و منتظران نیز به ترتیب با ۱۲ و ۱۰ واحد افزایش در پیوندهای برون‌گروهی در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

اما ازنظر شاخص E-I هر چهار گروه شاهد افزایش در میزان شاخص نسبت به قبل از اجرای پروژه بوده‌اند که مبین این واقعیت است که تأثیر پروژه بیشتر از آن‌که به تقویت پیوندهای درون‌گروهی بیانجامد پیوندهای برون‌گروهی گروه‌ها را تحت تأثیر قرار داده و به‌نوعی ارتباط و پیوند بین گروه‌ها را با همدیگر تقویت نموده است.

بیشترین افزایش در شاخص E-I در گروه یاسمین بوده است که میزان شاخص آن از ۱- به ۰.۲ رسیده است. از این نظر در رتبه بعدی گروه وحدت و بعدازآن هم‌گروه شهدای سرکویر قرار می‌گیرد.

جدول (۴). شاخص E-I نسبت پیوندهای برون‌گروهی به درون‌گروهی در گروه‌های توسعه روستای حسینان قبل و بعد از پروژه

گروه	قبل از اجرای پروژه				بعد از اجرای پروژه			
	پیوند درون‌گروهی	پیوند برون‌گروهی	جمع کل پیوندها	شاخص E-I	پیوند درون‌گروهی	پیوند برون‌گروهی	جمع کل پیوندها	شاخص E-I
منتظران	۴	۱۲	۱۶	۰/۵	۶	۲۲	۲۸	۰/۵۷۱
شهدای سرکویر	۶	۶	۱۲	۰	۲۲	۲۵	۴۷	۰/۰۶۴
وحدت	۱۲	۱۴	۲۶	۰/۰۷۷	۱۶	۳۱	۴۷	۰/۳۱۹
یاسمین	۱۰	۰	۱۰	-۱	۱۲	۱۸	۳۰	۰/۲

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد شاخص مرکز- پیرامون یکی دیگر از شاخص‌های مورداستفاده برای بررسی روابط سطح میانی شبکه‌های اجتماعی می‌باشد. شکل (۲) تعیین گروه‌های مرکز و پیرامونی را با استفاده از شاخص K-core برای شبکه مشارکت قبل از اجرای پروژه را نشان می‌دهد.

بر این اساس اعضای شبکه مشارکت قبل از اجرای پروژه در روستا به سه گروه کنشگران مرکزی (دایره)، کنشگران پیرامونی (مثلث) و کنشگران منفصل از شبکه (جعبه) نشان داده شده است.

همچنین برای تفکیک اینکه بتوان تشخیص داد که کنشگران مربوط به کدام گروه توسعه روستا هستند از رنگ‌های صورتی، نارنجی، قرمز و سبز به ترتیب برای گروه‌های منتظران، شهدای سرکویر، وحدت و یاسمین استفاده شده است.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]

بر اساس اطلاعات شکل (۲) می‌توان گفت که قبل از اجرای پروژه در گروه منتظران ۳ نفر در مرکز، ۶ نفر در پیرامون از شبکه قرارگرفته و هیچ‌کدام از اعضای این گروه منفصل از شبکه نبوده‌اند.

در گروه شهدای سرکویر ۵ نفر در مرکز شبکه واقع شده و ۲ نفر دیگر در حاشیه شبکه قرار می‌گیرند همچنین تعداد ۳ نفر از آن‌ها نیز منفصل از شبکه همکاری و تعامل با سایر اعضای شبکه قرار دارند.

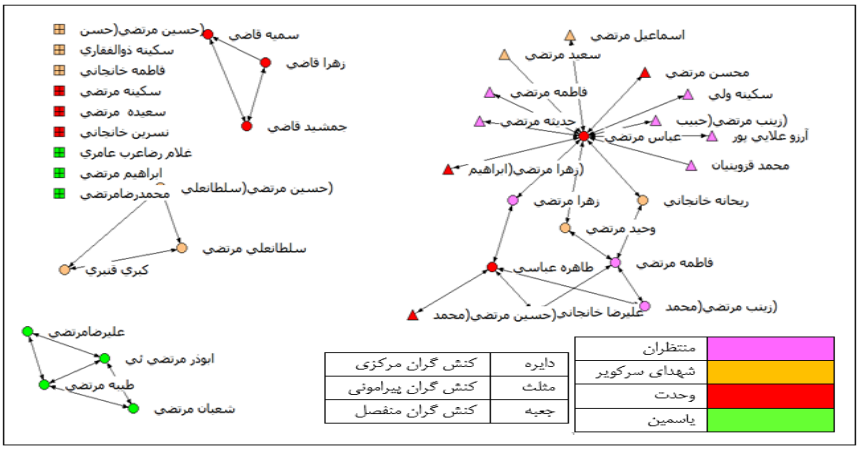
در گروه وحدت نیز ۵ نفر از اعضای گروه در مرکز شبکه، ۲ نفر در حاشیه شبکه مشارکت واقع شده‌اند و ۳ نفر دیگر منفصل از شبکه مشارکت قرار می‌گیرند. در گروه یاسمین که گروه نسبتاً کوچک‌تری بوده و کل اعضای آن ۷ نفر می‌باشند. ۴ نفر از آن‌ها در مرکز شبکه واقع شده و ۳ نفر باقی‌مانده از شبکه منفصل بوده و مشارکتی با بقیه اعضای گروه و صندوق ندارند.

شکل (۳) وضعیت گروه‌های مرکز و پیرامونی را با استفاده از شاخص K-core برای شبکه مشارکت بعد از اجرای پروژه نشان می‌دهد. در این نمودار با توجه به تفاوت در میزان مشارکت، اعضای گروه‌ها به چهار دسته کنشگران مرکزی، کنشگران پیرامونی، کنشگران در حاشیه و کنشگران منفصل از شبکه تقسیم می‌شوند. بر اساس اطلاعات شکل (۳) می‌توان گفت که بر مبنای شاخص K-core بعد از اجرای پروژه وضعیت انسجام و مشارکت در شبکه ارتقای قابل‌توجهی داشته است به‌طوری‌که تعداد افراد بیشتری در مرکز شبکه قرار گرفته و بخش زیادی از افرادی که منفصل از شبکه بوده‌اند به شبکه مشارکت روستا متصل شده‌اند. به‌طوری‌که بعد از اجرای پروژه فقط ۴ نفر منفصل از شبکه مشارکت واقع شده‌اند. در این گروه قبل از اجرای پروژه نیز هیچ‌کدام از افراد منفصل از شبکه مشارکت نبوده‌اند لذا اولویت اول مدیریت پروژه برای تقویت انسجام اجتماعی صندوق محسوب می‌شوند به‌عبارت‌دیگر باید پروژه برای جذب مشارکت افرادی همچون سکینه ذوالفقاری، سعیده مرتضی، ابراهیم مرتضی و محمدرضا مرتضی برنامه‌ریزی داشته باشد.

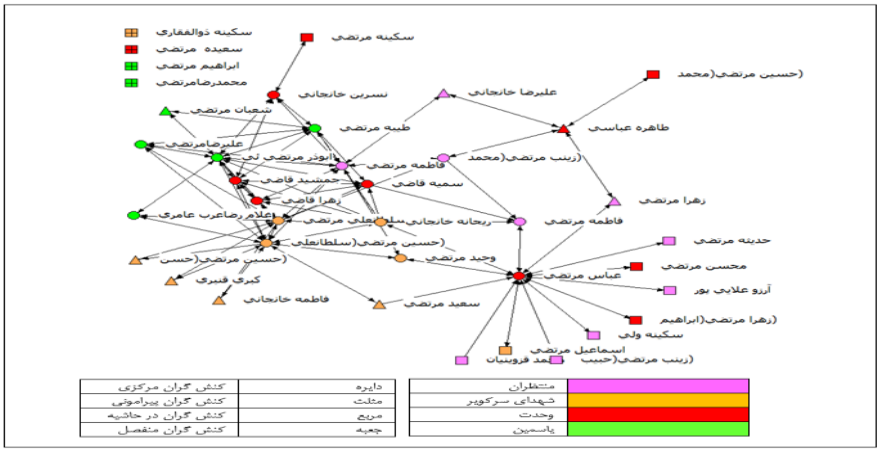
در گروه توسعه منتظران تعداد ۳ نفر از اعضای گروه در مرکز شبکه مشارکت و تعاملات قرار می‌گیرند. علاوه بر این ۲ نفر دیگر در پیرامون شبکه و ۵ نفر در حاشیه شبکه واقع می‌شوند. لذا اولویت اول تقویت انسجام گروه منتظران، تلاش برای تقویت پیوند افراد واقع در حاشیه شبکه ازجمله حدیثه مرتضی، آرزو علایی‌پور، زینب مرتضی (حبیت)، سکینه ولی و محمد قزوینیان می‌باشد.

در گروه شهدای سرکویر تعداد ۳ نفر از اعضای گروه در مرکز شبکه مشارکت و تعاملات قرار می‌گیرند. همچنین تعداد ۴ نفر دیگر از اعضای گروه در پیرامون شبکه و ۵ نفر در حاشیه شبکه و ۱ نفر منفصل از شبکه مشارکت واقع شده‌اند. بر اساس این اطلاعات در این گروه اولویت اول برای تقویت انسجام اجتماعی، جلب مشارکت افرادی نظیر سکینه ذوالفقاری که منفصل از شبکه هستند و همچنین اسماعیل مرتضی که در حاشیه شبکه واقع شده و پتانسیل بالایی برای انفصال از شبکه دارند می‌باشد.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]



شکل (۲). کنشگران مرکز و پیرامونی شبکه مشارکت قبل از اجرای پروژه در صندوق توسعه روستای حسینان بر اساس شاخص K-core



شکل (۳). کنشگران مرکز و پیرامونی شبکه مشارکت بعد از اجرای پروژه در صندوق توسعه روستای حسینان بر اساس شاخص K-core

در گروه وحدت نیز بعد از اجرای پروژه ۵ نفر از اعضای گروه در مرکز شبکه، ۱ نفر در پیرامون شبکه، ۴ نفر در حاشیه شبکه و ۱ نفر منفصل از شبکه مشارکت واقع شده‌اند. لذا در این گروه نیز اولویت اول برای تقویت انسجام اجتماعی، جلب مشارکت افرادی نظیر سعیده مرتضی که منفصل از شبکه هستند و همچنین سکینه مرتضی، حسین مرتضی (محمد)، محسن مرتضی و زهرا مرتضی (ابراهیم) که در حاشیه شبکه واقع شده و پتانسیل بالایی برای انفصال از شبکه دارند می‌باشد. در گروه یاسمین نیز بعد از اجرای پروژه ۴ نفر از اعضای گروه در مرکز شبکه، ۱ نفر در پیرامون شبکه، ۲ نفر منفصل از شبکه مشارکت واقع شده‌اند. لذا در این گروه نیز اولویت اول برای تقویت انسجام اجتماعی، جلب مشارکت افرادی نظیر ابراهیم مرتضی و محمدرضا مرتضی که منفصل از شبکه هستند و همچنین شعبان مرتضی در پیرامون شبکه واقع شده و پتانسیل بالایی برای انفصال از شبکه دارند می‌باشد. جدول (۵) به‌طور خلاصه مقایسه وضعیت افراد مرکز و پیرامون را در قبل و بعد از اجرای پروژه در گروه‌های چهارگانه فوق نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات جدول (۵) می‌توان گفت که پروژه

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]

تأثیر قابل‌توجهی در ایجاد انسجام و تعامل و مشارکت اعضای گروه‌های توسعه روستای حسینان داشته است. به‌طوری‌که تعداد افراد منفصل از شبکه مشارکت در سطح صندوق از ۹ نفر قبل از اجرای پروژه به ۴ نفر بعد از اجرای پروژه کاهش‌یافته است. بااین‌وجود میزان تمرکز در شبکه مشارکت به‌طور قابل‌توجهی کاهش پیدا کرده و تعداد افرادی که در مرکز شبکه حضورداشته‌اند از ۱۸ نفر به ۱۵ نفر کاهش‌یافته است. همچنین تعداد افراد واقع در پیرامون شبکه از ۱۱ نفر به ۸ نفر کاهش داشته و در مقابل تعداد افراد حاشیه شبکه به‌طور قابل‌توجهی افزایش داشته و به ۱۴ نفر رسیده است که بخشی از این افراد (حدود ۵ نفر) افرادی هستند که قبل از اجرای پروژه از شبکه مشارکت روستا منفصل بوده‌اند و به عضویت شبکه درآورده است.

جدول (۵). مقایسه افراد مرکز و پیرامونی بر اساس شاخص K-core در قبل و بعد از اجرای پروژه در روستای حسینان

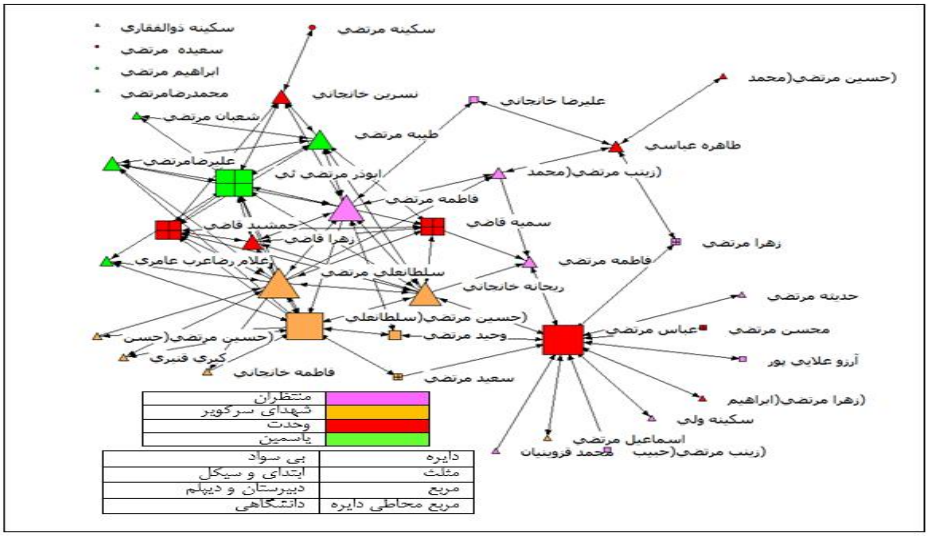
گروه	قبل از اجرای پروژه				بعد از اجرای پروژه			
	مرکز	پیرامون	در حاشیه شبکه	منفصل	مرکز	پیرامون	در حاشیه شبکه	منفصل
منتظران	۴	۶	-	-	۳	۲	۵	-
شهدای سرکویر	۵	۲	-	۳	۳	۴	۵	۱
وحدت	۵	۴	-	۳	۵	۱	۴	۱
یاسمین	۴	-	-	۳	۴	۱	-	۲
جمع	۱۸	۱۱	-	۹	۱۵	۸	۱۴	۴

شبکه مشارکت درون‌گروه‌های توسعه روستای حسینان

شکل (۴) روابط مشارکت اعضای گروه‌های توسعه روستای حسینان را بعد از اجرای پروژه برحسب شاخص مرکزیت درجه نشان می‌دهد. در این نمودار اعضای شبکه برحسب تحصیلات به چهار گروه بی‌سواد، ابتدایی و سیکل، دبیرستان و دیپلم و بالاتر از دیپلم تقسیم و به ترتیب با علائم دایره، مثلث، مربع و مربع محاطی دایره مشخص‌شده‌اند. همچنین برای نشان دادن اعضای گروه‌های توسعه روستا از رنگ‌های صورتی، نارنجی، قرمز و سبز به ترتیب برای گروه‌های توسعه منتظران، شهدای سرکویر، وحدت و یاسمین استفاده‌شده است.

همان‌طور که در شکل (۴) ملاحظه می‌شود در کل شبکه عباس مرتضی از گروه وحدت بیشترین درجه مرکزیت را دارد که دارای تحصیلات دیپلم است. در این گروه همچنین سمیه قاضی و جمشید قاضی دارای مرکزیت درجه بالای بوده و در شبکه مشارکت صندوق روستا نقش کلیدی بر عهده‌دارند. سمیه قاضی وظیفه سرگروهی گروه وحدت را بر عهده دارد. در گروه شهدای سرکویر نیز حسین مرتضی (سلطانعلی) دارای بالاترین میزان مرکزیت درجه است و قابل‌توجه این‌که ایشان نیز دارای تحصیلات دیپلم هستند. علاوه بر آن در این گروه سلطانعلی مرتضی و ریحانه خانجانی به ترتیب افرادی هستند که دارای مرکزیت درجه بالاتری می‌باشند. در گروه سرکویر آقای سلطانعلی مرتضی نقش سرگروهی را بر عهده‌دارند و تحصیلات زیر دیپلم دارند. در گروه منتظران خانم فاطمه مرتضی با تحصیلات پنجم ابتدای سرگروه بوده و بیشترین مرکزیت درجه بعد از اجرای پروژه را کسب کرده است. علاوه بر ایشان زینب مرتضی (محمد) و فاطمه مرتضی افرادی هستند که در رتبه‌های بعدی مرکزیت درجه قرار می‌گیرند.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]



شکل (۴). شاخص مرکزیت درجه در روابط مشارکت بین گروه‌های توسعه در روستای حسینان بعد از اجرای پروژه

در گروه یاسمین نیز ابوذر مرتضی‌ای که سرگروه بوده و دارای تحصیلات فوق‌لیسانس است، بیشترین میزان مرکزیت درجه را دارد و بعد از ایشان طیبه مرتضی و علیرضا مرتضی در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. بر مبنای اطلاعات فوق به نظر می‌رسد که رابطه معنی‌داری بین میزان تحصیلات و درجه مرکزیت و نفوذ افراد در شبکه مشارکت روستا وجود دارد. برای بررسی این فرضیه تفاوت در سطح مرکزیت در گروه‌های با سطح تحصیلات مختلف را قبل و بعد از اجرای پروژه با آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه موردبررسی قراردادیم. نتایج آزمون در جدول (۶) خلاصه‌شده است. بر اساس اطلاعات جدول (۶) می‌توان گفت که سطح تحصیلات تأثیر معنی‌داری در درجه مرکزیت و به‌تبع آن میزان کنترل و نفوذ افراد در شبکه مشارکت چه قبل و چه بعد از اجرای پروژه نداشته است؛ و به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت که پروژه توانسته است افراد به سطح تحصیلات پایین‌تر را به‌اندازه آن‌هایی که تحصیلات بالاتر دارند هدف قرار داده و به‌طور یکسان در ایجاد موقعیت برای آن‌ها مؤثر واقع شود.

جدول (۶). آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه برای بررسی روابط بین درجه مرکزیت و سطح تحصیلات افراد قبل و بعد از اجرای پروژه

ANALYSIS OF VARIANCE									
قبل از اجرای پروژه					بعد از اجرای پروژه				
شاخص	درجه آزادی	مجموع مربعات	آماره F	سطح معنی‌دای	شاخص	درجه آزادی	مجموع مربعات	آماره F	سطح معنی‌داری
تیمار	۳	۹۷/۴۵	۴/۷۷۱	۰/۰۵۶	تیمار	۳	۳۵۶/۹	۵/۷۴۲	۰/۰۶۳
خطا	۵۳	۳۶۰/۸	-	-	خطا	۵۳	۱۰۹۸/۰۴	-	-
جمع	۵۶	۴۵۸/۲	-	-	جمع	۵۶	۱۴۵۴/۹۸	-	-
۰/۰۲۱R-Square/Eta-Square:					۰/۰۳۸R-Square/Eta-Square:				

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]

نتیجه‌گیری

توانمندی جوامع محلی یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین اهداف پیش‌بینی‌شده در پروژه ترسیب کربن می‌باشد. این پروژه با مشارکت اقشار مختلف مردم در مناطق روستایی به‌خصوص قشر کم‌درآمد و ضعیف جامعه روستایی، به مدیریت اصولی منابع مالی و محیطی در منطقه موردنظر می‌پردازد. در این راستا، با استفاده از ظرفیت‌های مردم روستایی، ضمن زمینه‌سازی مناسب برای مشاغل جدید، حفاظت از عرصه‌های تخریب‌شده یا رو به تخریب را دنبال می‌نماید. توانمندی جوامع محلی در پروژه‌های منابع طبیعی به‌ویژه پروژه ترسیب کربن به‌عنوان فرآیندی پایین به بالا، زمانی اتفاق خواهد افتاد که اولاً مشارکت حداکثری مردم منطقه محقق شود و ثانیاً از ظرفیت‌های مهارتی، آموزشی و محیطی استفاده مناسب و اصولی به عمل آید. بر این راستا، تشکیل صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی یکی از اقدامات کلیدی پروژه محسوب می‌شود. اعطای اعتبارات خرد در راستای پروژه ترسیب کربن از چند دهه گذشته به‌صورت نیمه‌رسمی و غیررسمی در شکل وام‌های قرض‌الحسنه، خوداشتغالی و وام‌های ضروری برای ازدواج و خرید کالاها پرداخت شده است؛ اما آنچه در چارچوب توسعه اعتبارات خرد را از دیگر وام‌ها و تسهیلات متفاوت کرده دو موضوع کلیدی است. اول این‌که جنبه‌های برابری اجتماعی آن بیشتر قابل‌پیگیری بوده و منابع اعتباری را برای همه اعضای صندوق قابل‌دسترس می‌نماید. دوم مشارکت و نقش این صندوق‌ها در ارتقای سرمایه اجتماعی مناطق روستایی است که در این پژوهش به این مهم پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان داد با سطح اطمینان ۹۵٪ تراکم شبکه مشارکت بین اعضای صندوق روستای حسینان در مقایسه با قبل از اجرای پروژه افزایش داشته است. در این راستا پژوهش سلیمی کوچی و ابراهیمی (۱۳۹۶)، نشان می‌دهد که افزایش تراکم شبکه سبب تقویت پیوندها و افزایش انسجام و سرمایه اجتماعی در شبکه شده و دسترسی افراد به یکدیگر و هماهنگ ساختن آن‌ها و امکان کنترل اجتماعی را افزایش می‌دهد. در بخش شبکه مشارکت بین گروه‌های توسعه روستایی نیز، پروژه تأثیر قابل‌توجهی در ایجاد انسجام و تعامل و مشارکت اعضای گروه‌های توسعه روستای حسینان داشته است. ازاین‌رو یافته‌های پژوهش هماهنگ با مطالعه بودین و پرل (۲۰۱۱) می‌باشد که در پژوهش خود نشان دادند شاخص شبکه مشارکت بین‌گروهی از مهم‌ترین شاخص‌ها در تعیین میزان پایداری شبکه اجتماعی می‌باشد که با استفاده از آن می‌توان میزان اعتماد و مشارکت متقابل در بین ذی‌نفعان و همچنین میزان نهادینه شدن پیوندهای اعتماد و مشارکت را به دست آورد. در بخش شبکه مشارکت درون گروه‌های توسعه روستای حسینان نتایج تحقیق بیانگر این است که سطح تحصیلات تأثیر معنی‌داری در درجه مرکزیت و به‌تبع آن میزان کنترل و نفوذ افراد در شبکه مشارکت نداشته و به‌عبارت‌دیگر پروژه توانسته است افراد به سطح تحصیلات پایین‌تر را به‌اندازه آن‌هایی که تحصیلات بالاتر دارند هدف قرار داده و به‌طور یکسان در ایجاد موقعیت برای آن‌ها مؤثر واقع شود. دراین‌ارتباط نتایج مطالعه شفیع (۱۳۸۸) نشان داد که ازجمله عوامل مؤثر در توسعه پایدار روستایی می‌توان به مشارکت درون‌گروهی اشاره کرد که استعدادی نهفته در شبکه‌های اجتماعی است و زمینه برقراری مشارکت و کاهش هزینه‌های عمومی را فراهم می‌کند. درمجموع، می‌توان گفت که دستیابی به موفقیت در توسعه پایدار روستایی، نیازمند تقویت سرمایه اجتماعی از طریق تقویت اعتماد و مشارکت اجتماعی و به دنبال آن، افزایش انسجام اجتماعی است. تشکیل صندوق‌های اعتبارات خرد ازجمله راهکارهای افزایش تقویت اعتماد

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]

و مشارکت در میان افراد و ارتقای سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود، به‌طوری‌که سرمایه اجتماعی غنی در جوامع محلی جامعه‌ای منسجم را به‌وجود می‌آورد که در آن تمام افراد به‌صورت آگاهانه و فعال در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های مشارکتی حضور خواهند داشت؛ بنابراین افراد به‌صورت برابر قدرت دستیابی به فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی را خواهند داشت و دورشدگی و محرومیت اجتماعی نیز تا حدی زیادی در پی افزایش سرمایه اجتماعی کاهش خواهد یافت. در حقیقت دورشدگی اجتماعی در برابر مشارکت قرار می‌گیرد؛ به‌عبارت‌دیگر هرکسی که مشارکت اجتماعی فعال نداشته و به‌نوعی منزوی باشد، دچار دورشدگی شده است که نتیجه آن مشارکت نکردن اجتماعی و به دنبال آن کاهش انسجام و سرمایه اجتماعی است. بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان پیشنهاد نمود که ایجاد صندوق‌های‌اعتبارات خرد قرض‌الحسنه به‌عنوان یکی از پروژه‌های‌کلیدی برنامه‌های توسعه‌ی روستایی مدنظر قرار گیرد. از طرف دیگر بررسی و تحلیل تأثیر این صندوق‌ها در ارتقای سرمایه‌های اجتماعی روستاها و مناطق دیگر کشور در مطالعات آتی پیشنهاد می‌گردد.

منابع

احدنژاد روشتی، محسن؛ یاری قلی، وحید، اوجاقلو، روح الله (۱۳۹۳)، **نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محلی (موردمطالعه: محله نارمک تهران)**، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی شهری، ۴(۱۲): ۲۵-۵۰.

آدینه‌وند، علی‌اصغر، حاجی‌زاده، مریم و قدمی، مصطفی (۱۳۹۲). **بررسی عملکرد شهرداری در چهارچوب حکمرانی خوب شهری (نمونه موردمطالعه: شهر بابلسر)**، مدیریت شهری، ۱۱(۳۱): ۴۱-۶۴.

ازکیا، مصطفی، ایمانی، علی (۱۳۸۴)، **نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی و ایجاد اشتغال زندانیان آزادشده**، مجموعه مقالات همایش خرد روستایی و فقرزدایی بانک کشاورزی، مرکز تحقیقات اقتصادی.

امامی، نفیسه، احمدپور، امیر، عابدی سروستانی، احمد، شهرکی، محمدرضا (۱۳۹۶)، **بررسی تأثیر پروژه ترسیب کربن بر توانمندی جوامع محلی (موردمطالعه حوزه آبخیز تیل‌آباد استان گلستان)**، مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، (۴۰): ۲۳-۳۶.

بهزاد، داود (۱۳۸۴). **سرمایه اجتماعی بستری برای ارتقای سلامت روان**، فصلنامه علمی رفاه اجتماعی، ۲(۶): ۵۴.

پورعلی فشتمی، مجید (۱۳۹۶)، **نقش کیفیت محیط شهری در ارتقای سرمایه اجتماعی (موردمطالعه: منطقه ۱۲ شهرداری تهران)**، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته مدیریت شهری، گروه مدیریت شهری دانشگاه آزاد، واحد صفادشت.

حسن‌زاده، علی، ازوجی، علاءالدین، قویدل، صالح (۱۳۸۵)، **بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی**، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۶: ۴۵-۶۹.

حسن‌زاده، علی، قویدل، صالح (۱۳۸۴)، **چالش‌های تأمین مالی خرد روستایی در ایران مقایسه تطبیقی صندوق‌های قرض‌الحسنه روستایی و گرامین بانک بنگلادش**، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه: ۱۳(۴۹): ۱۴۱-۱۶۸.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]

دهقانی‌زاده، مجید (۱۳۹۰)، **تحلیل زیان‌دهی تعاونی‌های روستایی و اولویت‌بندی راهکارهای ساماندهی آن‌ها (بررسی موردی: استان یزد)**، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه. ۱۶ (۳): ۱۳۱-۱۰۹.

زنگنه، یعقوب، حسین‌آبادی، سعید و روشندل، تکتم، نبی پور، رضا (۱۳۹۳)، **تأثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکتی محلات قدیمی، نمونه موردی محله سرده سبزوار**، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۵(۱۹): ۱۱۱-۱۲۸.

سلمانی محمد، تقی پور فریده و رمضان زاده لسبویی مهدی، جلیلی پروانه زهرا (۱۳۸۹). **بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی**، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد شوشتر، ۴(۱۱):۱۹-۴۰.

سلیمی کوچی، جمیله، ابراهیمی، پیام (۱۳۹۶)، **تحلیل شبکه ذی‌نفعان محلی و انسجام اجتماعی در مدیریت مشارکتی منابع آب، مطالعه موردی: حوزه آبخیز میان جنگل، شهرستان فسا**، فصلنامه علوم و مهندسی آبخیزداری ایران، ۱۱(۳۷): ۵۷-۶۴.

شادی طلب، ژاله، حجتی کرمانی، فرشته (۱۳۸۷)، **فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی**، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۷(۲۸): ۳۵-۵۶.

شفیع، س. (۱۳۸۸)، **ارتباط شهری غیررسمی با شهروندان بر اساس توسعه پایدار محلی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران

صابری فر، رستم، فال سلیمان، محمود، قیصاری، صدیقه (۱۳۹۱)، **توسعه محلی پایدار و جلب مشارکت حداکثری مردم بر اساس تجارب پروژه بین‌المللی ترسیب کربن**، مجله جغرافیا و توسعه، (۲۸): ۴۱-۵۴.

طالب، مهدی، نجفی اصل، زهره (۱۳۸۹)، **آموزه‌هایی از روند مشارکت روستایی در ایران**، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۱(۲): ۲۷-۴۸.

عنابستانی، ع. ا. شایان، ح؛ و احمدزاده، س.(۱۳۹۰) **برآورد میزان تأثیرپذیری مشارکت زنان از سرمایه‌ی اجتماعی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان درزآب- شهرستان مشهد)**، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی ۱۱(۲۱): ۶۹-۹۰

غلام پور، محمدرضا (۱۳۸۸)، **سرمایه اجتماعی، ماهنامه اجتماعی اقتصادی علمی فرهنگی**، (۱۱۳- ۱۱۴): ۹۴-۹۷.

فال سلیمان، محمود، چکشی، بهاره (۱۳۹۰)، **پایش و مانیتورینگ اقتصادی و اجتماعی پروژه بین‌المللی ترسیب کربن دشت حسین‌آباد غیناب سربیشه- استان خراسان جنوبی**، فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۱(۳): ۱۰۱ -۱۱۸.

فراهانی، ح. عینالی، ج. عبدلی، س. (۱۳۹۲) .**ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه نواحی روستایی مطالعه موردی؛ دهستان مشهد میقان شهرستان اراک**. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۳(۲۹):۲۷-۵۰.

فقیهی، ابوالحسن و فیضی، طاهره (۱۳۸۰)، **سرمایه اجتماعی: رویکردی نو در سازمان، رفاه اجتماعی**، فصلنامه دانش مدیریت، ۱۹(۷۲): ۴۶-۲۳.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]

فوایدی، فرزانه، چهارسوقی امین، حامد و علی پور، حسن (۱۳۹۰)، **عوامل تأثیرگذار بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی، مطالعه موردی پروژه بین‌المللی ترسیب کربن**، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۳(۳): ۶۵-۴۹.

قاسمی، وحید، اسماعیلی، رضا و ربیعی، کامران (۱۳۸۵). **سطح‌بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان**، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۶(۲۳): ۲۲۵ -۲۴۸.

قانعی راد، محمدامین و حسینی، فرید (۱۳۸۴)، **ارزش‌ها، شبکه روابط و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی**، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۶(۳): ۱۲۳-۹۷.

کلمن، جیمز ساموئل (۱۳۸۴)، **بنیادهای نظریه اجتماعی**، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشرنی.

کیانی، اکبر؛ میرزا پور سلیمان (۱۳۸۸)، **بررسی افتراق فضایی- مکانی شهر و روستا در ابعاد سرمایه اجتماعی**، مطالعه مورد شهرستان خرم‌آباد، فصلنامه فضای جغرافیایی، ۹(۲۸): ۱۲۵-۱۴۷.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، **تجدد و تشخص**، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

محمدی، عبدالحمید، میردامادی، سید مهدی، رزاقی، محمدحسین، گلزاری، اعظم (۱۳۹۰)، **بررسی اثرات اقتصادی و اجتماعی طرح ترسیب کربن بر مشارکت روستاییان تحت پوشش این طرح در جنوب استان خراسان جنوبی**، فصلنامه جنگل و مرتع، (۸۹): ۴۲-۵۲.

معظمی، میترا، رحیمی، عباس و طائفه حیدری، اعظم (۱۳۸۴)، **بررسی پوشش و پایداری برنامه‌های اعتبار خرد، مطالعه موردی صندوق اعتبارات خرد برای زنان روستایی**، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد توسعه روستایی و فقرزدایی، تهران، مرکز تحقیقات اقتصادی بانک کشاورزی، ۹۲۳-۹۵۳.

مقدس فریمانی، شهرام؛ مجتبی رجب‌بیگی؛ احمد احمدی قبانکندی و میر محمود مجید آذر (۱۳۸۶)، **گرایش روستائیان به صندوق‌های اعتباری روستایی: مطالعه موردی استان تهران**، ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، مشهد، انجمن اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد، https://www.civilica.com/Paper-IAEC06-IAEC06_218.html

نژادی، فهیمه، عباسی، عنایت، چوبچیان، شهلا (۱۳۹۵)، **نقش پروژه‌های بیابان‌زدایی در افزایش سرمایه اجتماعی مردم محلی (موردمطالعه: پروژه ترسیب کربن شهداد)**، فصلنامه پژوهش‌های روستایی،۷(۴): ۶۰۴-۶۱۷.

Abdul-Hakim, R. Bdul-Razak, N. A. & Ismail, R. (2010), **does social capital reduces poverty? A case study of rural households in Terengganu" Malaysia**". European journal of social sciences.14(4), 556-566.

Bartkus, V. O. Davis. J. H. (2010), "**Social capital: Reaching out, reaching in. San Francisco**": Edward Elgar Publishers.

Bodin, O. and Prell, C. (2011). **Social network in natural resources management**. Cambridge University Press.

Coleman, J. (1990). **"Equality and Achievement in Education**" by James S. Coleman, Pp xi, 340.

Collier, P. (1998). "**Social capital and poverty**" World Bank, pp 27.

Dinda, S. (2014). "**Inclusive growth through creation of human and social capital**", International Journal of Social Economics, 41(10), 878 – 895.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]

Dusuki, A.W. (2008) "**Banking for the poor: the role of Islamic banking in microfinance initiatives**", Journal of Humanomics, 24(1), 49-66.
Hanley, m. (2006), **Impact of Micro-Credit on the Livelihood of the Poor: The Center for Agriculture and Rural Development in the Philippines, Cedar Rapids, lowa (2006), Borlaug-Ruan Internship, International Rice Research Institute**, Los Banos, Philippines, P:1-17
Liu, A. Besser. T. (2003). "**Social capital and participation in community improvement activities by elderly residents in small towns and rural communities**" Rural Sociol; 68: 343-365.
Ljunge, M. (2014), **"Social capital and political institutions: evidence that democracy fosters trust**,**"** Economics Letters, 122(1), 44-49.
Pitt, M. Khandkr, S. Cartwright, J.(2003), **Does Micro-Credit Empower Women?**Evidence from Bangladesh,World Bank policy Research working peper 2998, 1- 56.
Putnam, R. (1993) "**The Prosperous community"** Social Capital and Public life, The American Prospect, spring, pp. 35-42
Putnam, R.D. (2002), **Democracy in flux: The Evolution of Social capital in Contemporary socaity**. New Yopk: oxfopd Univercity press, 522 pages
Szeman, I. Kaposy, T. (2010). **"Cultural theory: an anthology. United Kingdom**", John Wiley & Sons Ltd.
Toloie Eshlaghy, A. (2008). **"Application of Data Envelopment Analysis in the Relative Measure of Social Capital**", Applied Mathematical Sciences, 57(2), 2803 – 2822.
Uzzi, B. Dunlap, S. (2005) "**how to bouild your network"**, Harvard business Review, vol 12, 53-60.
Wagner, H. T. Beimborn, D. and Weitzel, T. (2014), "**How social capital among information technology and business units drives operational alignment and IT business value**", Journal of Management Information Systems, 31(1), 241-272.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.53.6]
[DOI: 10.61186/jgs.23.69.277]